

# عقب ماندگی اقتصادی کمونیسم

بقلم یکی از دانشمندان



## توجیه عقب ماندگی اقتصادی بلوک کمونیسم و رد آن

دستاویز دیگری که طرفداران متعصب کورو گر مارکسیسم برای توجیه عقب ماندگی اقتصادی بلوک کمونیسم برای خود رو برآه کرده اند این است که:

غربی ها از راه چپاول و غارت قلمرو استعماری خود توانسته اند ثروت بخش اعظم جهان عقب نگه داشته شده را به کشورهای خود بکشند و بقیمت قزوق فلاکت اکثریت مردم جهان، اقلیتی مرفه و به قیمت ویرانی بیشتر پهنه گیتی، منطقه های محبودی را آباد نمایند و کشورهای کمونیستی چون با استعمار مخالفند و روی پای خود ایستاده اند طبعاً نتوانسته اند به آن سطح از ترقی و پیشرفت برسند!! ما قسمت اول را بدون چون و چرا می پذیریم و قبول می کنیم که چند کشور غربی، قسمت عظیمی از رفاه خود را مرهون استعمار و استعمار ملل فقیر و مستعمرات قدیم و جدید خود هستند. ولی در مورد قسمت دوم ادعا حرف داریم: اینکه می گویند بلوک کمونیست از استعمار متفرند و حاضر نیستند مردم کشورهای دیگر را بچاپند، یکی از همان ادعاهای دروغ و تبلیغات گمراه کننده کمونیست ها است.

شما بما بگویند مثلاً اتحاد جماهیر شوروی در راه چاپیدن ثروت دیگران چه کاری از دستش برآمده و انجام نداده است؟

اگر امروز آنها نمی توانند مثلاً ماشین آلات و مصنوعات دیگر خود را در بازارهای آزاد دنیا آب کنند و یا محصول ندارند که عرضه نمایند، این سند زهد و پرهیز از استعمار است؟!؟

چه کشوری حاضر شده که مصنوعات آنها را بقیمت مناسب

بخرد و آنها با امکان تحویل، خودداری کرده اند؟! و اگر مثلاً شوروی می توانست مثل ژاپن یا آلمان، مصنوعات مرغوب بی بازار عرضه کند و با دیگران رقابت نماید نمی کرد؟ آنجا که قبله و قطب بلوک کمونیسم (شوروی) ناچار زیر بار وارد کردن تکنولوژی غرب می رود و در قسمت مهمی از کارخانجات خود ماشین های ساعت کارخانجات غرب را سوار کرده و آنجا که صنایع مصرفی غرب در داخل شوروی بصورت قاچاق است و بازار سیاه دارد چگونه می تواند در بازارهای آزاد جهان با استعمارگران غرب به رقابت برخیزد؟

می بینیم هر جا که توانسته هیچگاه کوتاهی نکرده و بلکه از غرب هم جلو افتاده مثلاً در زمینه فروش اسلحه که بازارهای دنیا به هر دلیل حاضر شده اند از شوروی اسلحه بگیرند، آیا شوروی کوتاهی کرده است و یا مجانی داده و یا حتی ارزان فروخته است؟ حقیقت اینست که نه تنها کوتاهی نمی کند بلکه با دوزو کلک های مخصوص بخود، هر جا که تشخیص بدهد می شود اسلحه ای آب کرد و پولی درآورد با ایجاد کانون خطر و راه انداختن جنگ و آشوب و حمایت از یک طرف در مقابل طرف دیگر، بازاریابی نموده است.

ما امروز می دانیم که بخش عظیمی از پول نفت کشورهای عربی برای خرید اسلحه به خزانه کشورشوراها منتقل می شود. و به همین جهت مایل نیست که حالت نه جنگ و نه صلح میان اعراب و اسرائیل - که از طرفی آنرا برسمیت می شناسد و به نیروهای انسانی یهودی روس اجازه مهاجرت به اسرائیل می دهد و از سوی دیگر

## □ شوروی و کشورهای هم مسلک خود:

خیال نکنید که این یغماگری مخصوص کشورهای غیر کمونیستی جهان سوم است؛ بلکه شوروی نسبت به کشورهای هم مسلک خود هم رویه تجاوزکارانه داشته و دارد.

پس از جنگ جهانی دوم روسها از آلمان شرقی بین ده تا بیست میلیارد دلار ماشین آلات و ابزار صنعت و... به روسیه منتقل کردند و همین حالا چهارصد هزار سرباز روسی در آلمان شرقی نوعی اشغال محرمانه را بعهده دارند.

در مورد جمهوری های کوچک که روسها به زور اشغال کردند و اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل دادند ظلمها و فشارها و کشتار و توقیف و مصادره هائی صورت گرفته که قلم از نوشتن آنها شرم دارد.

در محدوده بازار مشترک کشورهای اروپای شرقی روابط اقتصادی، بی شباهت با روابط کشورهای «مشترک المنافع» بریتانیای کبیر نیست با این تفاوت که در اینجا ارتش سرخ پیمان و روشهم ضامن اجباری این روابط است. عکس العمل همین است که اخیراً که در اثر مبارزات پیگیر مردم اتحاد شوروی، کم و بیش اجازه توسعه روابط بازرگانی با کشورهای غربی بدست آورده، در این راه حرص و ولع عجیبی از خود نشان می دهند.

مگر قتل عام استقلال طلبان مجارستان در سال ۱۹۵۴ توسط شوروی چه تفاوتی با لشگرکشی انگلستان به مستعمرات خود دارد.

مگر سرکوب کردن نهضت ملی چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ توسط ارتش پیمان و رشوعملی پسندیده تر از پیاده شدن تفنگداران آمریکائی در اینجا و آنجا است؟

مگر سیاست های اهدانی و فشارهای بیرحمانه شوروی علیه یوگسلاوی و آلبانی بخاطر ناهماهنگی آنها با خط مشی مسکو یا فشارهای مرئی و نامرئی امپریالیسم در مورد کشورهای جهان سوم آزاد، از یک قماش نیست؟

(مگر دخالت و تجاوز ناروای شوروی در کشور محروم و مسلمان افغانستان، چیزی جز وحشیگری و خیانت می باشد؟)

با توجه به مراتب فوق، دیگر چه بهانه ای در دست طرفداران مارکسیسم برای توجیه عقب ماندگی اقتصادی کشورهای کمونیستی باقی می ماند؟

کمبود مواد غذایی و جیره بندی های فصلی صفوف طولانی مشتریان در مراکز تهیه و خرید وسائل زندگی، گرانی های بی حساب، بازارهای سیاه کمبود آب و راه و دارو و مسکن و... برای ملتی که شصت سال وعده و نوید شنیده و به امید آینده ای بهتر ده ها میلیون قربانی داده و رنج زندانهای سیاه و اردوگاههای کار اجباری و خفقان و ترور و تبعیض را تحمل کرده با مشاهده رفاه و

اسرائیل را محکوم می کند و دشمنانش را تقویت می کند از بین برود. و امروز شوروی دومین کشور فروشنده اسلحه یعنی دلال خون و مرگ و ویرانی جهان است و با توجه به اینکه سنگین ترین و در عین حال بی شمترین بلکه زیان بارترین مخارج ملت های جهان امروز مخارج نظامی است و از همین راه است که داروندار کشورهای جهان سوم بقنا می رود؛ روشن است که شوروی در زشت ترین و متفورترین رشته استثمار و غارت، سرسختانه به رقابت برخاسته بلکه پیشتاز است.

و اصولاً ماهیت میلیتاریستی کمونیست ها و رقابت میان آنان و امپریالیست های غارتگر در وضع حاضر و راه و روش تبلیغات و برخورد های آنان از عوامل اصلی این همه کانون خطر و ایجاد این همه چاه و یل برای امکانات ضعیف و ناچیز کشورهای عقب نگاهداشته شده و یا در حال رشد است.

نگاهی به ارقام و آمار زیر ادعای ضد استعماری و ضد استعماری و یا پرهیزکاری کمونیست ها را از شیوه های استثمار روشن تر می کند.

«فرانک بارنابی» مدیر انستیتوی بین المللی تحقیقات صلح سوئد ضمن مقاله ای در شماره مخصوص روزنامه انگلیسی زبان آکادمی علوم سوئد درباره تولید اسلحه در جهان نوشت:

۱- هزینه های نظامی جهان بیست برابر مجموع کمک هائی است که جهان سوم می شود.

۲- سالانه بیست و پنج میلیارد دلار صرف تحقیقات نظامی می شود در حالی که یک چهارم این مبلغ خرج تحقیقات پزشکی می گردد.

۳- هزینه های نظامی دنیا در سال ۱۹۷۵ به رقم نکان دهنده دو بست و ده میلیارد دلار آمریکا رسید.

۴- آمریکا و شوروی آنقدر اسلحه اتمی انبار کرده اند که بزودی می توانند یکدیگر را صد بار ویران کنند.

۵- در کشورهای خاورمیانه طی ده سال گذشته بودجه نظامی بیست برابر افزایش یافته است.

۶- حدود چهارصد هزار کارشناس و متخصص و دانشمند دنیای امروز روی مسائل مربوط به امور نظامی مشغول تحقیقند.

آیا در چنین دنیائی می شود به یکی از ارکان اصلی این رقابت مرگبار مدال «زهد» و اجتناب از استثمار ملت ها داد؟!!

امروزه دهها هزار کارشناس نظامی شوروی در سراسر دنیا با حقوقهای گزاف ارزش ملتها را میسکند و مرتباً لیست های دراز و طومارهای طولانی ابزار و لوازم یدکی گران قیمت برای اسلحه های خریداری شده از شوروی تنظیم می کنند و دائماً سیل تقاضاها همراه ارزها در کنار صورت درخواستی از کارخانجات اسلحه سازی بسوی مسکو سرازیر است که هموزن آنها باید طلای ناب پرداخت.

## عقب ماندگی اقتصادی کمونیسم

ظهور واقعتاً از رونق تبلیغات وعده های سردمداران کمونیسم کاسته و قشر نسبتاً وسیعی از مردم روشن و شجاع تحت تاثیر رژیم دیکتاتوری پرولتاریا را به اعتراض و مبارزه واداشته که صدای آنها را دنیا از حلقوم «ساخاروفها» و «بوکروفسکی ها» و «سولژنیست ها» و... می شنوند.

اواخر سال ۱۹۷۶ که پرفسور «آرنوشت کولمان» که برای ملاقات دختر خود از شوروی به سوئد رفته بود از دولت سوئد تقاضای پناهندگی کرد و ضمن نامه ای که برای برژنف بمنظور اعلان استعفا از عضویت در حزب کمونیست شوروی و اعلان سلب تبعیت روسی از خویش نوشت چنین گفت:

«... من بتدریج به این عقیده رسیده ام که عضویت در حزب کمونیست به معنای خیانت به ایده آل عدالت اجتماعی و انسانیت و ساختن یک جامعه نوو بهر است... و رهبران شوروی بصورت طبقه جدید دارای امتیازات فراوان درآمده اند...»

بدنیست که بدایتید پرفسور کولمان ۸۴ ساله دوست و همکار صمیمی لنین و ۵۸ سال عضو فعال حزب کمونیست شوروی و از افسران نمونه ارتش سرخ و استاد دانشگاه مسکو بوده و در رشته «سیبرنتیک» (فعالیت های حافظه) تحقیقات و تالیفاتی دارد و خدمتاتی به فلسفه مارکسیسم کرده که اینک پشیمان است.

استعفا و انتقاد او با داشتن سوابق درخشان، ضربه هولناکی برای کمونیست ها و در عین حال باعث بخود آمدن بسیاری از جوانان خام و فریب خورده دنیا بود.

## نتیجه

ارزشهای اصیل تحت تاثیر عوامل نامبرده در این مقدمه، در جوامع انسانی متزلزل و بی اثر و یا کم اثر شد، مارکسیسم به منزله کوبنده ترین عوامل مخرب ارزشها، ضربه بسیار کاری و کشنده ای بر انسانیت وارد آورد و در نتیجه، جهان بشریت در حال حاضر در محاصره نیروهای مهاجم و مخرب مارکسیسم و کاپیتالیسم و مکتبهای تحریف شده و مسخ گردیده و با دست کاری شده آسمانی و با انسانی عهد قدیم گرفتار آمده است.

## چه باید کرد؟

در جستجوی راه نجات از این مخمه باید سراغ ریشه و اساس گرفتاری ها و مشکلات رفت و آنها چیزی جز خود «انسان» نیست. باید انسان را شناخت و نقطه های اصلی و ریشه های انحراف را در وجود خود پیدا کرد و آنها را اصلاح نمود. اگر واقع بینانه، سرخ فساد و انحراف مکتب ها را بدست

آسایش در کشورهای مجاور که در تبلیغات کمونیست ها روبرو و زوال ببر کاغذی و مترجم و پیرو فرتوت و... معرفی شده اند، بشدت تلخ و تحمل ناپذیر است.

و به همین جهت فریادهای اعتراض روزافزون این مردم در بند، علی رغم آن همه فشار و خفقان و تهدید و تزویر از اینجا و آنجا بلند است و همه جا بگوش می رسد، و کار بجائی رسیده که فرزندان پیشتاز انقلاب، دست توصل بسوی همان بیرهای کاغذی و امپریالیست های در حال زوال و سقوط دراز کرده و همان ها هستند که بیماری این فلاکت زدگان در بند برخواسته و ناله و استغاثه آنها را بگوش دنیا می رسانند! بی جهت نیست که مرزهای میان کشورهای کمونیست و سرمایه داری از طرف کمونیست ها همچون دروازه پادگان های نظامی، زیر کنترل و ساتور است و کشورهای غیر کمونیست، نیازی به مراقبت و نگهبان نمی بینند. چون از این طرف، مردم می خواهند فرار کنند و خود را نجات دهند و از آن طرف کسی در خود تمایل پناه بردن به دژ کمونیسم را نمی بیند. دیوار برلن در میان برلن شرقی و غربی یکی از همین مثالها است و مهاجرت روزافزون قانونی یا قاچاقی انسانها از شرق به غرب، دلیلی دیگر.

## تعداد فراریان و مهاجرین کشورهای کمونیستی به آلمان غربی

کشور	سال ۱۹۸۰
شوروی	۹۶۵۴ نفر
آلمان شرقی	۵۲۰۷۱ نفر
چکسلواکی	۲۴ نفر
لهستان	۵۱ نفر
هنگری	۱۹ نفر
یوگسلاوی	۶۲۱ نفر

(اکثریت قریب به اتفاق آنان از نژاد آلمانی هستند).  
که از مرزهای این کشور صرفاً ۱۲۷۶۳ نفر به مهاجرت دست زده اند در حالیکه بقیه از کشورهای لهستان و رومانی آمده اند.

نیاوریم، ممکن است تمام تلاشها و اقدامات اصلاحی، اثر معکوس دهد و یا بی ثمر از آب درآید.

بنظر می رسد روحیه «خودخواهی» و «عشق بخوش» که از عمومی ترین و استثناء ناپذیرترین حالات همه انسانهای سراسر تاریخ است نقطه شروع انحرافات و مشکلات اجتماع بشری باشد، گرچه همین روحیه خودخواهی و خوشننگری نیز اصیل ترین محرک اقدامات مثبت و سازندگیها و موتور تکامل و رشد تمدن و ترقی بشر است.

فکر می کنم اغراق نباشد اگر بگویم: اکثر تحولات تاریخ بشریت به همین روحیه خودخواهی انسانی ریشه میرساند چه خیر و چه شر.

بنابر این پیشنهاد اصلاحی، این نمی تواند باشد که تلاش کنیم روحیه خودخواهی را از انسان بگیریم و انسان را از خودش خالی کنیم و بجای فرد انسان «جامعه» بیاید چنین پیشنهادی با فطرت بشریت و انسان سازگار است و به معنای گرفتن انرژی تحرک و تکامل از انسانیت است که تا حدودی از زیر پرچم سرخ این مطلب آزمایش شده.

و از آنطرف این هم درست نیست که این روحیه را که ظریفی بی نهایت وسیع دارد، آزاد و بی قید و بند بگذاریم که هرچه می خواهد بکند، که جنایات انحصارطلبان استعمار گوشه ای از مضرات این راه را مشخص می کنند.

### □ راه کنترل نیروی عظیم انسانی

بنظر می رسد در حال حاضر تنها راه کنترل و مهار کردن این نیروی عظیم و این منبع بی پایان انرژی و قرار دادن آن در خدمت سعادت بشر این است که آنرا تسلیم مکتب آسمانی اسلام این موهبت عظمای خدا به انسان کنیم که بهترین و مناسبترین راه بارور کردن این سرمایه بشریت را بیان کرده است.

اسلام با مطرح کردن زندگی ابدی و حیات جاودان با ابعادی بی نهایت برای انسان و معرفی نمودن دوران محدود زندگی این جهان همراه با بیان ارزشهایی که در این جهان و آن جهان برای انسان سعادت زاست این مشکل بزرگ را حل نموده است.

اسلام به انسان نمی گوید: خودت را دوست ندار و بخود علاقه مند نباش و از او نمی خواهد که در تلاش هائی که میکنی و از وجود و حیات خود مایه می گذاری، منفعت شخصی ات را در نظر بگیر (چرا که می داند این پیشنهاد با فطرت بشر سازگار نیست و آهن سرد کو پیدن است) بلکه می گوید حال که بخودت عشق می ورزی و همه چیز را برای خودت می خواهی، تنگ نظر و محدود بین و کوتاه نظر نباش؛ زندگی و سعادت در همین محدوده چند سال و در

این چهار دیواری تنگ دنیا منحصر نیست، تو قلمروی بینهایت وسیع و عمری بی نهایت طولانی داری؛ اینجا فقط مدرسه است که آمده ای تحصیل کنی، تحصیل امکانات برای زندگی بعد از مدرسه.

اسلام با تعلیمات مکتبی خاص خود انسان را قانع می کند که تلاش در جامعه و فداکاری برای دیگران و مایه گذاشتن از خود بنفع جمع، بهترین نوع خودخواهی و خوشننگری است. و با دید دقیق تر، تلاشهای خودبینانه و خودپرستانه مادی این جهان درست مخالف با مصلحت شخصی و منفعت فردی است.

خدمت به دیگران بهترین راه رسیدن به حقیقت وجودی در منزلگاه دائمی و اصیل انسان است و تجاوز بحریم حقوق دیگران، بزرگترین مانع و محکمترین سد راه رسیدن به آن منزل و این مطالب صرف ادعا و تخیل هم نیست بلکه متکی بر یک جهان بینی کاملاً مستدل و برهانی است که فلسفه اسلامی متکفل اثبات آن است.

ملاحظه می فرمائید که چنین طرحی که اسلام دارد، بطور کلی با مادیگری و محدود کردن انسان در پوسته تنگ ماده، سازگار نیست.



نه ماتریالیسم کمونیست ها می تواند بر این اساس برنامه ریزی کند و نه مادیت غرب از عهده ترمسیم چنین برنامه ای می تواند برآید. بنابر این از دیدگاه ما: اساسی ترین راه برای سرو سامان دادن به جهان بشریت این است که با تعیین جهان بینی و ایدئولوژی و استراتژی و تاکتیکهای اسلام، این مکتب آسمانی را معرفی کنیم و در کنار این کار نقاط ضعف و مطالب زیانبار مکتب های مزاحم را با مقایسه با مکتب اسلام روشن سازیم.

و مهم تر اینکه جامعه ای (ولو کوچک) بر اساس این مکتب، به عنوان جامعه نمونه که الگوی محسوس باشد بسازیم و با استفاده از شرایط مناسب تبلیغ، خیرخواهان و دوست داران انسانیت را دعوت به مطالعه و بررسی آن نمائیم.

والسلام علی من اتبع الهدی

۱- صفحه ۲۹۷ سالنامه فشرجاب آلمان سال ۱۹۸۲